



بررسی مسئله معاشرت قبل از ازدواج در گفت‌وگو با سیدمهدی حسینی فیاض، جامعه‌شناس

پایان تلخ در انتظار عشق‌های بدون عقل

پنهان صدقی

در جامعه امروز ایران معاشرت قبل از ازدواج به یک مسئله تبدیل شده است، از سویی به‌سازای دختر و پسر در این عرصه تبعیضی جبران‌ناپذیر دارد و از سوی دیگر نمی‌توان موضوع شناخت قبل از ازدواج را به کلی نادیده گرفت. به راستی چگونه می‌توانیم شاخصه‌های عشق عقلانی را

آسیب‌های آزادی بی‌حد جوانان

دکتر جیمز بوپارد، جامعه‌شناس از مخالفان معاشرت قبل از ازدواج است، او که در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ بیش از همه در این راه تحقیق کرده اظهار می‌کند: ریشه اختلافات خانوادگی را در آزادی بی‌حد و حصر جوانان باید جست. وی می‌گوید: زناشویی و تشکیل خانواده مهم‌ترین امر اجتماعی و بیش از همه نیازمند تأمل و اندیشه است. در حالی که غالباً خانواده‌های امریکایی به فرزندان خود اجازه می‌دهند و حتی آنها را تشویق می‌کنند که نادرست‌ترین راه را انتخاب کنند. بوپارد می‌گوید: با اینکه همه ما می‌دانیم لاقل یک چهارم از ازدواج‌هایی که در امریکا صورت می‌گیرد منجر به طلاق در دادگاه‌ها می‌شود هنوز هم تصور می‌کنیم ما امریکایی‌ها بهترین ملت روی زمین هستیم. ملت امریکا عموماً بر این عقیده هستند که بنا بر قانون طبیعی مرد و زن می‌توانند در کمال آزادی در سر یک کلاس حاضر شوند. در گوشه و کنار با هم ملاقات کنند و دور از چشم بزرگ‌ترها معاشرت کنند و عاشق شوند و بالاخره با اجازه یا بی‌اجازه والدین با هم ازدواج کنند. این نوع معاشرت‌های بی‌اساس نتیجه خوشایندی ندارد.

خانواده‌های شرقی چندان درگیر نشانه‌های

مدرنیزته نشده‌اند

تا سال ۱۹۸۰، ۹۰ درصد از ازدواج‌ها در اروپا مبتنی بر اصولی صحیح و عملی بود. هر چند جنگ جهانی دوم در تضعیف روش سنتی بی‌ریزی و تعیین ازدواج به وسیله والدین بی‌تأثیر نبوده اما هنوز هم در بسیاری از قسمت‌های اروپا و امریکای لاتین و مشرق زمین والدین امور زناشویی را بنیابگذار می‌کنند. این عقیده که دختر باید از خانه خارج شود و در اجتماعات ظاهر شود تا بتواند برای خود شوهری پیدا کند چیزی جز حقارت برای زن به بار نمی‌آورد. بر عکس به راحتی می‌توان مشاهده کرد، احساس آرامش دختری را که در یک خانواده شرقی بزرگ می‌نشود، خانواده‌ای که بی‌جهت درگیر نشانه‌های مدرنیته نبوده و حتی از سنت‌های اشتباه هم پیروی نمی‌کند، می‌داند که پیدا کردن شوهر مناسب هم وظیفه خودشان و هم دخترشان است، چرا که آنها به نحو شیسته و خردمندانه‌ای این کار را انجام می‌دهند.

عشق غربی، کوتاه و بی‌اساس!

در ادبیات شرقی وصف زناشویی‌های موفقیت‌آمیز و وجود صمیمیت و محبت میان زن و شوهر بیشتر از ادبیات غربی دیده می‌شود. شیوه‌ای که ملل شرق در امر ازدواج به کار می‌برند بدون شک صحیح‌تر از روش جاری در امریکاست، به این دلیل که پیدا کردن همسر مناسب و دلخواه پراهمیت‌تر از آن است که از عهده جوانان به تنهایی برآید.

پدری که ساکن شهر نیویورک بود هنگامی که دخترش به حد بلوغ رسید خانواده خود را به یک دهکده کم جمعیت منتقل کرد تا در شرایط بهتری بتواند خانواده خود را حفظ کند. پس از مدتی وقتی شنید در یک سال سه دختر در آن دهکده ایستن شده‌اند در حالی که از شدت ناراحتی دندان‌هایش را به هم می‌فشرد میلفی از بانک وام گرفت و دخترش را به یک مدرسه خصوصی دخترانه سپرد و هزینه سنگین تحصیل او را در این مدرسه متحمل شد و برای تحصیل عالی او را به یک دانشکده مخصوص بانوان که آن هم متخرج گزافی داشت فرستاد. او هم‌اکنون نامزد یک نجیب‌زاده است. پدر این دختر اظهار می‌کرد: متخرج تحصیل دخترم ۲۵۰۰۰ دلار برایم تمام شده اما لاقل او با یک جوان آسمان‌جل روزگار نمی‌گذراند.

شناخته و شیوه درست آن را به فرزندانمان آموزش دهیم، تا جوانانمان در گیر احساسات تند و بی‌اساس نشوند و برای ازدواج تصمیمی درست و عاقلانه بگیرند. پسر و دختر باید بیاموزند پس از آشنایی با شهادت و جرئت به پدر و مادر خود اطلاع دهند و آنان را در جریان بگذارند تا بتوانند از راهنمایی و کمک والدین بر خوردار شوند. همچنین وظیفه والدین است



در گذشته انتقادهای عمده‌ای که به معاشرت قبل از ازدواج می‌شد به این دلیل بود که در این کار افراط‌های خارج از حد باعث رد و بدل احساسات رمانتیک و سست بنیان می‌شد اما اگر والدین از همان ابتدا با روش مناسب جلوی این کج‌روی و تندروی را بگیرند، حتی معاشرت و گفت‌وگوی کنترل شده قبل از ازدواج توصیه هم می‌شود

که در این شرایط به فرزندان کمک و از آنها حمایت کنند. والدین باید به شناخت طرف مقابل بپردازند، از تندروی‌های فرزندان جلوگیری کنند و تمام پیچیدگی‌ها را برای دو جوان آسان سازند. با سیدمهدی حسینی فیاض، جامعه‌شناس و کارشناس مسائل خانواده در این زمینه گفت‌وگویی کرده‌ایم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

والدین به تقویت و تشدید این امر کمک می‌کنند. گروهی از والدین بنا را بر این گذاشته‌اند که بعدها نمی‌توانند جلوی آن را بگیرند. شاید این عده از والدین می‌خواهند لذت‌هایی که خود از آن محروم بودند را در اختیار فرزندان خود بگذارند و آنان را بیشتر از سنین جوانی خود از لذت بهره‌مند سازند، اما آنطور که خود می‌پندارند در حق فرزندان‌شان نیکی نمی‌کنند. جوانان غالباً خیلی تنسد در این راه قدم می‌دارند. حتی در میان این معاشرت‌ها پیش می‌آید قبل از ازدواج دو تن از هم جدا شوند و برای بعضی از آنها یک تراژدی محسوب می‌شود و چون خیلی زود در سنین پایین صورت می‌گیرد شریک زندگی مناسب بالا هم تکرار شود.

والدینی که در زندگی فرزندان‌شان دخالت نمی‌کنند

در این میان اما همکاران جیمز بوپارد، استاد جامعه‌شناسی با اینکه هم دوره او هستند اما نظری تقریباً متفاوت با او دارند و با خوش بینی به معاشرت قبل از ازدواج اشاره می‌کنند. از نظر آنها تنها راه خود تن به ازدواج می‌دهند، قربانیانی محروم‌اند و با گذر مدت کوتاهی از زندگی‌شان، از شوهر خود طلاق می‌گیرند اما این طلاق نشانه‌ای از جدایی ندارد و طلاق عاطفی است. یعنی تنها جسمی در خانه‌شانند و روحی در میان نیست. آنها همیشه از زندگی و انتخاب خود تأسّف خورده و نسبت به جوانانی که قبل از ازدواج نسبت به هم شناخت پیدا کرده و اکنون زن و شوهری خوب بوده و زندگی کامل و بادوامی تشکیل داده‌اند حسادت می‌کنند.

عشق جوانی باشکوه است اما جای نگرانی هم دارد

آزادی جوانان تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است. آنان همسر خود را انتخاب می‌کنند و به زودی به خانواده خود اطلاع می‌دهند. این فرایند بسیار درست است، چرا که می‌دانند عقابت کسی را پیدا خواهند کرد که هم با میل خود و هم با رضایت و تجزیه و تحلیل خانواده‌خود می‌شود و این نوع ازدواج دوام دارد و عشق هم به وجود می‌آورد. بر خلاف نظر برخی صاحب‌نظران در دوره‌های پیشین، عشقی که بر اساس عقلایت باشد شادای آور است. عشق‌های بی‌پایه رنج به بار می‌آورد و پس از گذشت زمان جوان به ظاهر عاشق متوجه می‌شود که اصلاً عاشقی نبوده است. والدین باید توجه داشته باشند که عشق جوانی باشکوه است اما جای نگرانی هم دارد.

در گذشته انتقادهای عمده‌ای که به معاشرت قبل از ازدواج می‌شد به این دلیل بود که در این کار افراط‌های خارج از حد باعث رد و بدل احساسات رمانتیک و سست بنیان می‌شد و احياناً خطرات غیرقابل جبران و تجربیات تلخ برای دو طرف و به خصوص دختر باقی می‌ماند، البته بدون اینکه نتیجه مثبتی گرفته شود، اما اگر والدین از همان ابتدا با روش مناسب جلوی این کج‌روی و تندروی را بگیرند، حتی معاشرت و گفت‌وگوی کنترل شده قبیل از ازدواج توصیه هم می‌شود.

در خاتمه باید گفت کنترل و نظارت توأم با آموزش قبل از بلوغ بهترین راه‌حل است. والدین باید به جای اینکه فرزند به سن بلوغ برسد و کنترل‌ش کنند، مراقبت خود را از همان سنین کودکی و حتی پیش از آن شروع کنند زیرا تمام شخصیت انسان به این دوران بازمی‌گردد. بنابراین اگر فرزند می‌نماید و براساس عقلایت تربیت شود، دیگر احتیاج به مراقبت بیشتر در دوره بلوغ ندارد، چرا که با آموزه‌های والدین خود و نظارت آنان بهترین راه را انتخاب می‌کند.



سبک رفتار

بی تفاوتی، گام نهایی طلاق عاطفی

توجه به زیرساخت‌های ازدواج را فراموش کرده‌ایم

هر چند امروزه و در دنیای جدید و مدرن، خیل عظیمی از مفاهیم تازه وارد زندگی‌مان شده و بسیاری از مفاهیم قدیمی نیز دستخوش تغییرات عمده شده است، اما همچنان بسیاری از مفاهیم نقش اساسی و مهمی در زندگی فردی و اجتماعی ما ایفا می‌کنند، پس توجه به حفظ این مفاهیم بیش از پیش ضروری است: مفاهیمی همچون عشق، خانواده، ازدواج و... اما در این میان مفاهیم تازه‌ای نیز خود را نشان می‌دهد که در برابر مفاهیم یاد شده مقاومت می‌کند: مفاهیمی همچون طلاق عاطفی که حقیقتی گرینا پذیر است و باید برای آن فکری کرد.

طلاق‌هایی که ثبت نشده

آمارهایی که هر از چندگاهی از سوی منابع رسمی اعلام می‌شود تنها شامل افرادی است که به صورت قانونی طلاق گرفته‌اند و این جداز زوج‌هایی است که به صورت روانی و عاطفی دچار گسست شده و سال‌هاست جدا یکدیگر هستند اما در یک خانه زندگی می‌کنند. این موارد به طور روزمره از تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها منتشر می‌شوند و شاهد فزونی آن طلاق شده‌ایم که بسیار نگران‌کننده است.

در مورد افراد مطلقه که پیش از جدایی فیزیکی و طلاق، دوره‌های طولانی از جدایی اجتماعی، عاطفی و بعضاً اقتصادی برای آنها وجود داشته، شکی نیست، اما بسیاریند خانواده‌ها، زنان و مردانی که پس از دوره‌های طولانی کشمکش، نزاع و ازجار، با گسستن آخرین رشته‌های پیوند عاطفی

میان افراد داخل این خانه‌ها، محبت و عشق رو به فراموشی رفته است. خانه‌هایی که زمانی محل آرامش و آسایش افراد بودند، امروزه به فریزرهای عاطفی تبدیل شده‌اند. بدون شک تا زمانی که چنین وضعیتی بر نظام خانواده‌ها حاکم است، نمی‌توانیم انتظار حضور کارآمد و مشرک‌نم‌افزای سالم را در جمع‌های سالم داشته باشیم.

روزگار تلخ فرزندان

فرزندانی هم که در این خانه‌های جدید خالی از محبت و عشق حضور دارند تنها بهانه‌هایی صوری ادامه زندگی‌اند و فردا به سرخوردگان و آسیب‌دیدگانی مبتدل می‌شوند که توان درست تصمیم گرفتن و روبروایی با مشکلات آینده‌شان را ندارند. بدون شک آگاهی از چرایی ازدواج و دقت در مراحل اول آشنایی موجب می‌شود تا شاهد حداقل میزان طلاق در جوامع باشیم، اما



در بسیاری از خانواده‌ها، برای کودکانی که والدین آنها دلمان‌دار حال مشاخره دشمنی هستند و آنان فشار روحی و روانی بسیاری را تحمل می‌کنند، شاید طلاق نوعی موهبت محسوب شود.

نگاه به ازدواج نیاز به یک بازنگری کلی دارد

بهتر است نسبت به امر مهم ازدواج که شاید بعد از تولد مهم‌ترین حادثه زندگی هر انسانی است، تأمل و تدبیر بیشتری به خرج دهیم. شاید تنها انجام آزمایشات اولیه خون، پزشکی و فیزیکی برای صدور مجوز ازدواج کافی نباشد. چه‌جا که رنج به دنیا آمدن کودک آن ناقص‌بیش از کودک بیمار روحی نیست. مشاوره و تأیید سلامت روحی و روانی افراد و همچنین تأیید سازگاری دو نفر با یکدیگر از طریق متخصصان، کم‌اهمیت‌تر مسائل فیزیکی و ژنتیکی نیست. شاید بهتر باشد دست به یک بازنگری کلی بزنیم. اینکه جوانان را فقط به ازدواج ترغیب کنیم، تشویق کنیم، وام بدهیم و... بدون اینکه راه درست انتخاب و استمرار زندگی مشترک را به آنان بیاموزیم بزرگی است.

زیرساخت‌ها هم مهم است

باید همان گونه که در جوامع پیشرفته سعی می‌شود تا پایه‌های ازدواج را قوی کرده و دولت‌ها با ایجاد اشتغال و افزایش سطح رفاه نسبی سعی می‌کنند تا حداقل‌های لازم را برای ازدواج جوانان فراهم کنند، به جای ترغیب صرف جوانان به ازدواج، زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را یقانه‌تر کنیم. در صورت توجه به کارآفرینی و ایجاد اشتغال برای جوانان، آنها پس از شغال شدن و دریافت جایگاه و نقش اجتماعی خود، با اتساک بر توانایی‌ها و خواسته‌هایشان به استقلال شخصیتی اجتماعی رسیده و با رسیدن به شرایط نسبتاً پایدار اقتصادی با توجه به شرایط روحی و روانی خود آماده تشکیل زندگی می‌شوند. شاید آنگاه کمتر شاهد کشتی‌های غرق شده یا ترک‌خورده زندگی‌های خانوادگی باشیم.

عکس نوشت

بهاران می‌آیند و می‌روند... شقایق‌ها امید به بهاری دیگر را نوید می‌دهند. «شقایقی هست، زندگی باید کرد»

